

پیش‌بینی سازگاری زناشویی براساس سبک‌های دلبستگی همسران جانباز

Prediction of Marital Adjustment Based on the Attachment Styles of Disabled Veterans' Wives

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۴/۱۶

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۹/۱۲

Husseini Hoseinabad, S. F.; Ghobari Bonab, B.;

Mashayekh, M.✉; Farrokhi, N.; Sodagar Sh.

سیده فاطمه حسینی حسین آباد^۱، باقر غباری بناب^۲، مریم مشایخ[✉]،

نورعلی فرخی^۳، شیدا سوداگر^۴

Abstract

Introduction: Given the psychological and physical problems of disabled veterans and their effects on marital life, it is important to study the factors associated with the adjustment of disabled veterans' wives who suffer from unusual pressures. The current study aims to investigate the predictive role of attachment styles based on the marital adjustment of disabled veterans' wives.

Method: This is a descriptive correlational study. The data were collected from 200 disabled veterans' wives using the availability sampling method. To collect the data, the Marital Adjustment Questionnaire and the Hazan and Shayver Adult Attachment Style Scale (1987) were employed. The data were analyzed using Pearson correlation coefficient and multiple regression analysis.

Results: The results showed a negative correlation between avoidance and anxiety (attachment styles) and marital adjustment and a positive correlation between marital adjustment and safe attachment style.

Conclusion: These results can be used to predict couples' marital adjustment in premarital counselling by determining their attachment styles, and, if required, they can be given the necessary training so that satisfaction and adjustment may be enhanced in their lives. Satisfaction can further be improved by evaluating attachment styles and giving training on unsafe adjustment styles in family counseling.

Key words: attachment styles, marital adjustment, disabled veterans' wives.

چکیده

مقدمه: باتوجه به مشکلات روانی و جسمی جانبازان و آثار آن در زندگی زناشویی، بررسی عوامل مرتبط با سازگاری همسران جانباز که فشارهای ویژه‌ای را متحمل می‌شوند، حائز اهمیت است. پژوهش حاضر به بررسی نقش پیش‌بینی‌کنندگی سازگاری زناشویی براساس سبک‌های دلبستگی همسران جانباز می‌پردازد.

روش: این پژوهش از نوع توصیفی همبستگی است که از اطلاعات به‌دست‌آمده از ۲۰۰ همسر جانباز به روش نمونه‌گیری دردسترس انجام شد. ابزار مورد پژوهش شامل پرسشنامه سازگاری زناشویی (DAS) و پرسشنامه سبک دلبستگی بزرگسالان هازن و شیور (۱۹۸۷) بود. برای تحلیل داده‌های آماری از ضریب پیرسون و تحلیل رگرسیون چندگانه استفاده شده است.

یافته‌ها: نتایج حاصل از تحلیل داده‌ها نشان داد که بین اجتناب و اضطراب (مؤلفه‌های دلبستگی) با سازگاری زناشویی، رابطه‌ای منفی و بین سازگاری و دلبستگی ایمن، رابطه مثبتی وجود دارد.

نتیجه‌گیری: براساس نتایج این پژوهش می‌توان در مشاوره‌های قبل از ازدواج با تعیین سبک دلبستگی، میزان سازگاری زناشویی را در زوجین پیش‌بینی کرد و در صورت نیاز آموزش‌های لازم را ارائه نمود تا در زندگی، رضایت و سازگاری بیشتری حاصل شود. همچنین در مشاوره‌های خانواده نیز می‌توان با بررسی سبک دلبستگی و ارائه مداخلات درمانی برای سبک‌های دلبستگی غیرایمن، میزان سازگاری را ارتقا داد.

کلید واژه‌ها: سازگاری زناشویی؛ سبک‌های دلبستگی؛ همسران جانباز

✉ **Corresponding Author:** Assistant Professor, Department of Psychology, Karaj Branch, Islamic Azad University
E-mail: m.mashayekh@kiaiu.ac.ir

۱ - دانشجوی دکتری عمومی، گروه روان‌شناسی عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج

۲ - استاد دانشگاه تهران

✉ استادیار، گروه روان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج

۳ - دانشیار گروه روان‌سنجی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبائی

۴ - استادیار، گروه روان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج

مقدمه

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، خانواده از ارزش و مقام بالایی برخوردار است. در اصول مختلف از جمله اصل دهم، تصریح شده است: از آنجاکه خانواده واحد بنیادی جامعه اسلامی است، همه قوانین و مقررات و برنامه‌ریزی‌های مربوط باید در جهت آسان کردن تشکیل خانواده، پاسداری از قداست آن و استواری روابط خانوادگی بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی باشد.

لذا تمامی متخصصین به‌ویژه متخصصین بهداشت روان باید برای حفظ این نهاد مقدس تمامی اقدامات لازم را انجام دهند؛ بالاخص برای حفظ بنیاد خانواده‌های جانبازان که تمامی هستی خود را برای کشور اهدا نموده‌اند؛ از این‌رو مقاله حاضر به بررسی سازگاری زناشویی و سبک‌های دلبستگی همسران جانبازان پرداخته است تا شاید گامی در این راستا برداشته شود.

موضوع تحول خانواده در جهان معاصر از مباحث کانونی جامعه‌شناسی خانواده طی دهه‌های اخیر است. در پی تحولات دهه‌های اخیر، به‌ویژه دو دهه گذشته، جامعه ایران در همه عرصه‌های اجتماعی و فرهنگی، شاهد تغییر سبک زندگی و گرایش این سبک به سوی شیوه‌های غربی و مدرن بوده است. این دگرگونی‌ها در عرصه زندگی خانوادگی به اشکال مختلف بروز و ظهور یافته است. نظریه‌پردازان این رویکرد به‌منظور تبیین افول خانواده در جوامع غربی به شاخص‌هایی همچون فردگرایی، تأخیر ازدواج، کوچک‌شدن بعد خانوار و افزایش طلاق استناد می‌کنند. یافته‌های پژوهش‌ها حاکی از آن است که در جامعه ایران، گرچه شواهد موجود دلالت بر حاکمیت رویکرد افول خانواده دارد، اما واقعیات اجتماعی دیگری از جمله عمومی‌بودن ازدواج، مقدس‌بودن نهاد خانواده و نگرش مثبت نسبت

به ازدواج و تشکیل خانواده و رایج‌بودن ازدواج خویشاوندی و... بیانگر آن است که خانواده در جامعه ایران همچنان به‌عنوان نهادی مستحکم و بنیادین مورد توجه است (لوله‌آور، ۱۳۹۴) و آنچه منجر به حفظ این نهاد مقدس می‌شود، سلامت روانی اعضا خانواده است، زیرا کیفیت روابط زناشویی و تجربیات ازدواج بر سلامت روانی زوج، تأثیر می‌گذارد (جاباملیان^۱، ۲۰۱۱ به نقل از کروک^۲، ۲۰۱۷).

از آنجاکه سلامت روانی خانواده‌های شهدا و جانبازان به‌دلیل شرایط خاص و استرس‌های ویژه ممکن است در معرض خطر باشد، با توجه به پایین‌بودن سطح سلامت روانی همسران شهدا و جانبازان و هماهنگی آن با یافته‌های سایر مطالعات می‌توان نتیجه گرفت که این جمعیت در معرض آسیب بوده و در برنامه‌های بهداشت روانی نیاز به توجه ویژه دارند. در این میان، همسران جانبازان اعصاب و روان بیش از سایرین در معرض خطر بوده و توجه بیشتری را طلب می‌کنند (مجاهد و همکاران، ۱۳۹۰).

بررسی سطح هیجان ابرازشده، افسردگی و فشارهای روانی مراقبت در همسران جانبازان بستری در بخش اعصاب و روان پزشکی و ارتباط آن با میزان بستری مجدد نشان داد افسردگی خفیف در همسران به میزان ۴۲٪، افسردگی متوسط ۲۶٪، و افسردگی شدید ۸٪ دیده شد. همچنین فشار روانی شدید در ۵۲٪ و هیجان ابرازشده بالا در ۱۴٪ همسران دیده شد (منطقی، حدادی، ثمری، حیدری، ۱۳۸۹). مشکلات زناشویی، تعارضات و سازگاری و فقدان ارتباط ممکن است باعث افسردگی و اختلالات اضطرابی شود (کیم^۳، ۲۰۱۲) و این امر باعث کاهش میزان سازگاری زوجین می‌شود، درحالی‌که مطالعه سازگاری زناشویی، سابقه طولانی و مستند دارد، نمودارهای طلاق نشان می‌دهد که دانش ما در راه رسیدن به سازگاری زناشویی و

و از الگوهای ارتباطی اجتنابی متقابل و توقع کناره‌گیری بیشتر از همسران افراد عادی استفاده می‌کنند (وفایی، خسروی، معین، ۱۳۹۱). این امر می‌تواند سازگاری زناشویی همسران جانباز را تحت تأثیر قرار دهد.

تحقیقات مختلف حاکی از اثرات زینبار بیماری‌های روانی بر خانواده به‌خصوص همسر و مادران است. بعد از جنگ‌های مختلف در دنیا تحقیقاتی روی بازماندگان و جانبازان انجام شده است که این تحقیقات نوعاً درباره اثرات مختلف جسمی و روانی جنگ بر جانبازان بوده است (میرزمانی، محمدی، ۱۳۸۲).

جنگ به‌عنوان یک عامل فشار روانی شدید پیامدهای گسترده روانی، اجتماعی، فرهنگی و فردی دارد و طی نسل‌های متمادی بر اعضای یک جامعه تأثیر می‌گذارد. براساس یافته‌های پژوهش مقایسه وضعیت سلامت روانی همسران جانبازان و همسران افراد عادی از ترس مرضی، افسردگی، پارانوئید، روان‌پریشی، شکایات جسمانی، حساسیت فردی، وسواس، اضطراب و پرخاشگری بیشتری برخوردارند (وفایی، خسروی، ۱۳۸۸).

PTSD نیایی در همسران جانبازان شیمیایی سردشت نشان داد، تقریباً تمامی همسران جانبازان PTSD دچار آسیب نیایی بودند، لذا باتوجه‌به فراوانی و شدت بالای این اختلالات در همسران جانبازان شیمیایی، پیگیری و درمان موارد مبتلا ضروری به‌نظر می‌رسد (احمدی، نوده، رشادت‌جو، کرمی، انیسی، ۱۳۸۸).

بررسی ابعاد در رضایت زناشویی در همسران جانباز نشان داد که بین متغیرهای جمعیت‌شناختی و رضایت زناشویی کل رابطه معنی‌داری وجود ندارد. اکثر همسران جانباز، رضایت زناشویی متوسط دارند، افزون‌براین، بیشترین و کم‌ترین همبستگی بین نمره کل رضایت زناشویی به‌ترتیب با زیرمقیاس‌های کل

حفظ آن در سطح مناسب و اطمینان‌بخش بسیار کم است (کولینز و رید^۴، ۲۰۱۲). بنابراین، لازم است اهمیت سازگاری زناشویی بررسی شود. سازگاری زناشویی از عوامل مهم مربوط به کیفیت ازدواج است که دربرگیرنده اشتراک‌گذاری دیدگاه‌های مشابه درباره مسائل کلی زناشویی، شامل مدیریت حل مسئله به‌عنوان یک زن و شوهر، احساس شادی از ازدواج با هم و ارزیابی مثبت از پیوند زناشویی است (فیزی لاگو^۵، ۲۰۰۱ به‌نقل از کروک، ۲۰۱۷).

مدارک اساسی وجود دارد که نشان می‌دهد ضربه‌های روانی مثل جنگ و تجاوز جنسی دوران کودکی منجر به تخریب و آشفتگی بسیاری در سازگاری اجتماعی کلی و روابط زوجی می‌شود و در زندگی بسیاری از افراد تغییری عمیق ایجاد می‌کند (رایس، ترجمه فروغان، ۱۳۸۷).

یکی از مصائبی که انسان به آن مبتلا می‌شود، جنگ است و از تبعات آن جانبازی است. ثبات انقلاب از نظام جمهوری اسلامی ایران مدیون ایثارگری و شهادت‌طلبی کسانی است که با بهره‌گیری از فرهنگ غنی ایثار و شهادت در راه مکتب و میهن خود ایثار نموده و به درجه رفیع شهادت یا جانبازی نائل آمده‌اند. همه ملت‌ها به فداکاران، جانبازان و سلحشوران خود به دیده احترام می‌نگرند و آنها افرادی هستند که فرهنگ مقاومت و پایداری را شکل داده‌اند (انوری، ۱۳۸۵ به‌نقل از مشایخ ۱۳۹۰).

نظر به اهمیت روابط زناشویی و باتوجه‌به اینکه همسران جانباز با فشار مشکلات مختلف زندگی روبه‌رو می‌شوند، سازگاری ایشان در خانواده نیز می‌تواند تحت تأثیر وضعیت روان‌شناختی آنها قرار گیرد. براساس یافته‌های پژوهش‌ها مشخص شده است که همسران جانباز در مقایسه با همسران افراد عادی از الگوی ارتباط سازنده متقابل کم‌تر استفاده می‌کنند

تعارض و جهت‌گیری مذهبی به‌دست آمد. همچنین یافته‌ها نشان داد که بین رضایت زناشویی و مشکلات روان‌شناختی، رابطه منفی و معنی‌داری وجود دارد. در مجموع، می‌توان بیان کرد که همسران جانباز جنگ تحمیلی باتوجه‌به باورهای مذهبی و پذیرش احتمال آسیب‌های جدید جسمانی و روانی شوهران خود با همسران خود رابطه رضایت‌بخش زناشویی داشته‌اند و تعداد فرزندان، درصد جانبازی و افزایش سن، نتوانسته است این رابطه را به‌طور معنی‌دار خدشه‌دار کند (سلیمی، آزادمرزآبادی، امیری، تقوی، ۱۳۷۸).

باتوجه‌به مشکلات روانی و جسمی جانبازان و آثار آن در زندگی زناشویی، کشف مقوله‌های مرتبط با سازگاری زناشویی همسران جانباز امری مهم به‌شمار می‌رود؛ چراکه روابط زناشویی سالم می‌تواند به‌منزله محیط شفاف‌بخشی برای افراد قربانی جهت کنارآمدن با پیامدهای حادثه عمل کند و با فراهم‌آوردن تجربه عاطفی تسهیلی، پیامدهای حادثه را در افراد حادثه‌دیده کاهش دهد و رابطه با همسر به‌عنوان منبعی از آرامش و امنیت برای فرد قربانی باشد (سوزان، ۲۰۰۹).

یکی از تأثیرگذارترین دیدگاه‌های نظری برای مطالعه روابط نزدیک، نظریه دلبستگی است. نظریه دلبستگی، فرایندهایی را که طی آن پیوند بین نوزاد و مراقب شکل می‌گیرد، توصیف می‌کند. سبک‌های دلبستگی به الگوهای درون‌کاری برآمده از پیوندهای عمیق عاطفی کودک - مادر گفته می‌شود که شکل پاسخ‌های رفتاری افراد به جدایی نگاره‌های دلبستگی و پیوند مجدد با این نگاره‌ها را تعیین می‌کنند. این سبک‌ها به سه دسته ایمن، اجتنابی و دوسوگرا تقسیم می‌شوند (بشارت، ۲۰۱۳؛ هاکینگ، سایمون و سورت، ۲۰۱۶).

افراد در طول رشد، مجموعه‌ای از شواهد ذهنی برای موفقیت خود به‌واسطه مجاورت کافی با نگاره‌های

دلبستگی به‌عنوان الگوهای درون‌کاری ثبت و ضبط می‌کنند (سیمپسون و رولز، ۲۰۱۷). پژوهش‌ها نشان داده است که نوجوانان و بزرگسالان با سبک دلبستگی ایمن، سطوح پایین‌تری از عواطف منفی را تجربه می‌کنند و روابطی مستحکم با کسانی برقرار می‌سازند شبیه تجربه‌هایی که نوزاد با مراقبش دارد. در آینده روابط کودک با دیگران درونی‌سازی شده و این الگوهای درونی‌شده، در شکل‌گیری مفهوم خود و دیگران برای کودک تأثیرگذار بوده و کودک این مفاهیم را به رابطه با دیگران تعمیم می‌دهد (هسه و فلویید، ۲۰۱۱). درحقیقت، دلبستگی، پیوند عاطفی پایداری است که ویژگی آن گرایش به جستجو و نزدیکی به شخص و البته حفظ این رابطه به‌ویژه در مواقعی است که موقعیت، تهدیدکننده است (مرودیت و همکاران، ۲۰۰۶). الگوهای ذهنی روابط، در نظریه دلبستگی از اهمیت خاصی برخوردار بوده و تجارب اولیه دلبستگی را به احساسات و رفتارهای بعدی پیوند می‌زنند (دیکاس و کسیدی، ۲۰۰۷). سبک‌های دلبستگی بزرگسالی در رشد دادن و حفظ پیوستگی بین‌فردی نقش مهمی برعهده دارد و با فرایندهای روانی وابسته به روابط صمیمانه و نیز رفتارهای مشاهده‌شده در این روابط و برون‌دادهای روابط صمیمانه که هم ذهنی است مثل رضایت و هم عینی مثل جدایی یا طلاق قابل پیش‌بینی است (نافل و شیور، ۲۰۰۶). دلبستگی ایمن که در اوایل زندگی ایجاد می‌شود، می‌تواند تعیین‌کننده رفتارهای دلبستگی باشد که روابط رضایت‌بخشی را در آینده فراهم می‌آورد. تعاملات خانوادگی ناپه‌نچار و سبک دلبستگی اجتنابی، پیش‌بین‌های خوبی برای افسردگی در این دوران هستند (راواتنال، کلیور و پیلی، ۲۰۱۵). افراد مختلفی که سبک دلبستگی متفاوتی دارند، تجارب مختلفی در روابط عاشقانه خویش دارند.

مالی و خویشاوندی و .. توافق دارند. آنها می‌توانند بر سر علایق، اهداف و ارزش‌ها سازگاری داشته باشند؛ در نشان دادن هیجان‌ات و عواطف و اطمینان به یکدیگر هم‌نوا هستند و همچنین به‌ندرت از ازدواجشان شکایت دارند (آن، ۲۰۰۶).

این موضوع پذیرفته شده است که سازگاری زناشویی یک مفهوم چندبعدی است و دربرگیرنده عوامل گوناگونی است که همگی در رضایت یا عدم رضایت در روابط سهم دارند و به‌همین خاطر در تعریف سازگاری زناشویی اتفاق نظر کلی وجود ندارد و علت این عدم توافق عوامل اجتماعی، روان‌شناختی، شخصیتی و جمعیت‌شناختی مختلفی است که با سازگاری زناشویی ارتباط دارد. لذا این مقوله به‌عنوان یک پیوستار و تغییر در فرایند این پیوستار است (اسپانیر، ۱۹۸۳). از دیدگاه عملیاتی، سازگاری به‌عنوان توانایی نظام خانواده در تغییر ساختار خانواده، نقش‌ها و قوانین در پاسخ به موقعیت‌های استرس‌زاست (ولسون و گارول، ۲۰۰۳).

تحول و تغییر سبک‌های دلبستگی از منظر ماهیت فرایندهای تعاملی قابل تأمل است. همچنان‌که پیش‌تر ذکر شد، روابط سبک‌های دلبستگی و رضایت زناشویی به‌کرات تأیید شده است. از دیگر سو، پژوهش‌های متعدد رابطه سبک‌های دلبستگی با فرایندهای تعاملی از جمله صمیمیت جنسی و شیوه‌های حل تعارض را تأیید نموده است. درحالی‌که سطوح بالای رضایت زناشویی هنگامی اتفاق می‌افتد که هر دو همسر سبک دلبستگی ایمن داشته باشند (تریبکس و دیگران، ۲۰۰۴).

در ارتباط با پیشینه پژوهش، بررسی مؤمنی و همکارش (۲۰۱۷) درمورد ارتباط سبک‌های دلبستگی، سازگاری زناشویی و تنظیم هیجان متأهلین نشان داد سبک دلبستگی اضطرابی پیش‌بینی‌کننده

بررسی‌ها درمورد ویژگی‌های افراد متعلق به سبک‌های مختلف دلبستگی و تأثیر آن در روابط با دیگران از جمله ازدواج و روابط با همسر، گویای این است که دو شاخص ترس از طردشدن و احساس آسودگی در روابط، عناصر مهم رفتار دلبستگی در ازدواج است؛ به‌طوری‌که احساس آسودگی در روابط و نداشتن ترس از طردشدن، نشان‌دهنده دلبستگی ایمن است (سیمپسون و رولز، ۲۰۱۷). افرادی که سطوح بالاتری از دلبستگی اجتنابی دارند، اهمیت روابط صمیمی و نیاز به نزدیکی را انکار می‌کنند. در نتیجه، الگوی دلبستگی در این افراد غیرفعال می‌شود و در روابطشان به‌دنبال حمایت از همسر نیستند (کولینز و فینی، ۲۰۰۰). زن یا شوهری که در مقایسه با همسر خود سبک دلبستگی اجتنابی بالاتری داشته باشد، ممکن است نیازهای همسر را رد کند یا با خشم به آنها پاسخ دهد و هنگامی که خود نیز دچار درماندگی شود از همسر فاصله گیرد (سیمپسون، رولز و نلیگان، ۱۹۹۲). افرادی که سطوح بالای دلبستگی اضطرابی دارند، نسبت به ارزیابی‌هایشان از خود، تردید دارند و نگران این هستند که شریک زندگی‌شان آنها را ترک کند (شیور و همکاران، ۲۰۰۵؛ کولینز و فینی، ۲۰۰۴). ازدواج را به‌عنوان فرایندی تحولی توصیف می‌کنند که به تثبیت فرایندهای تعامل زناشویی گوناگون منجر می‌شوند. این فرایندهای تعامل زناشویی هم شامل رفتارهایی است که در رابطه به‌وقوع می‌پیوندند، هم پویایی‌های درون‌فردی که در رابطه به تکامل می‌رسند و اینکه سرانجام رضایت زناشویی را تحت تأثیر قرار می‌دهند (مک کی و ابرین، ۱۹۹۵). سبک دلبستگی جزو عواملی است که در کارکرد و همچنین سازگاری زناشویی نقش مهمی ایفا می‌کند. لاک و توماس بیان می‌کنند که یک ازدواج سازگار واحدی است که زن و شوهر بر سر موضوعات اصلی ازدواج، از قبیل مسائل

نیز مؤید آن است که دلبستگی نایمن با کنترل شدید این افراد دیدگاه کم‌تر مثبتی درمورد خود دارند و در روابط رمانتیک اغلب نسبت به ارزش خویش به‌عنوان یک شریک زندگی تردید دارند. به‌بیان‌دیگر، این بعد دلبستگی با الگوی فعال‌سازی خود در روابط مرتبط است؛ یعنی این افراد گرایش دارند که در روابط، الگوی ضعیفی از خود داشته باشند، نگران آن هستند که دوست داشته نشوند یا ترک گردند و در جستجوی اطمینان‌آفرینی دوباره و تجربه عاطفی منفی هستند. بزرگسالان دارای این سبک دلبستگی، ارزیابی مثبتی از دیگران دارند، به پذیرش و تأیید از سوی دیگران بسیار اهمیت می‌دهند و اغلب نگران هستند که شریک زندگی‌شان واقعا آنها را دوست نداشته باشد یا نخواهد با آنها بماند. در تبیین این یافته می‌توان گفت که افراد دوسوگرا به‌دلیل احساس اضطراب و طردشدگی که دارند، همچنین به‌دلیل چسبندگی شدید و احساس خطر دائمی از بی‌وفایی همسر، بیش‌ازحد برای همسر خود ایجاد مزاحمت روان‌شناختی کرده و با کنترل و چسبندگی دائمی به او، آزادی‌ها، استقلال و خودمختاری طرف مقابل را سلب می‌کنند و در نتیجه سطح صمیمیت زناشویی در این نوع دلبستگی زوجی کاهش می‌یابد.

نتایج پژوهش مطلب و حمیدی‌پور (۱۳۹۶)، نشان می‌دهد بین سبک دلبستگی ایمن و سازگاری زناشویی رابطه مثبت معنی‌دار (۰/۵۳) وجود دارد. بین سبک دلبستگی اجتنابی و سازگاری زناشویی، رابطه معنی‌دار مشاهده نمی‌شود و بین سبک دلبستگی دوسوگرا و سازگاری زناشویی، رابطه منفی معنی‌دار (۰/۱۶-) وجود دارد.

نتیجه تحقیق اصغری‌زاده و دانش، (۱۳۸۴) این بود که، بین سبک دلبستگی زنان ایمن با سطح شادکامی آنها در مقایسه با زنان با سبک دلبستگی نایمن

ناخشنودی در روابط جنسی است. سبک دلبستگی ایمن، روابط کارآمدتر و رفتارهای مثبت‌تر و ناسازگاری کم‌تر بین زوجین را نشان می‌دهد.

پژوهش جعفری سنجانی و همکاران (۲۰۱۶) با بررسی ایمنی روان‌شناختی، ریش هیجانی، سبک‌های دلبستگی و سازگاری زناشویی دریافتند که ۳۱ درصد تغییرات سازگاری زناشویی توسط مؤلفه‌های نامبرده تشریح می‌شود. همچنین بین سازگاری زناشویی و سبک‌های دلبستگی، ارتباط معنی‌دار دیده می‌شود.

امین‌پور و همکارانش (۲۰۱۶) با پژوهش درمورد ارتباط سبک‌های دلبستگی و سازگاری زناشویی زوجین جوان، نشان دادند، ارتباط مستقیمی بین دلبستگی ایمن و رضایت زناشویی و ارتباط معکوس و منفی بین سبک دلبستگی اجتنابی و رضایت زناشویی وجود دارد. رگرسیون گام‌به‌گام هم به این امر اشاره می‌کند که ۱۹ درصد واریانس سازگاری زناشویی توسط سبک‌های دلبستگی قابل تبیین است.

هین، بویس و وان اوست (۲۰۰۵)، نتیجه گرفتند که بین سبک دلبستگی ایمن با افسردگی، ارتباط منفی و با سازگاری زناشویی ارتباط مثبت معنی‌دار وجود دارد. از طرف دیگر، سبک‌های دلبستگی نایمن ارتباط منفی معنی‌داری با سازگاری زناشویی دارند. سیمون (۲۰۰۲) نیز سبک‌های دلبستگی را به‌عنوان پیش‌بینی‌کننده سازگاری زناشویی بیان کرده است.

نتایج تحقیقات مظاهری (۲۰۰۰)؛ گودباتو و همکاران (۲۰۰۸) و گیرال (۲۰۰۸)، نشان‌دهنده وجود رابطه منفی بین بعد اضطراب و سازگاری زناشویی است و این امر بدین معناست که با افزایش اضطراب ناشی از دلبستگی نایمن در زوجین، سازگاری زناشویی آنها کاهش می‌یابد. به‌نظر می‌رسد وجود اضطراب دلبستگی در روابط زوجین موجب کنترل شدید عاطفی و بالا رفتن تنش می‌شود. تحقیق فینی (۱۹۹۹)

دلبستگی همسر جانباز مرتبط می‌شود؟ اگر به شرایط جانبازی و آسیب ناشی از جنگ ارتباط داشته باشد، بنابراین، هیچ رابطه معنی‌داری نباید بین این دو مؤلفه باشد و نوع خدمات مشاوره‌ای و خانوادگی به حیطه شرایط بحرانی برمی‌گردد، اما اگر به نوع دلبستگی همسران ارتباط داشته باشد و رابطه معنی‌دار باشد، خدمات روان درمانی باید بر مشاوره‌های پیش از ازدواج خانواده‌های نظامیان متمرکز شود. بنابراین، پژوهشگران بر آن شدند تا دریابند آیا سازگاری زناشویی براساس سبک‌های دلبستگی جانبازان پیش‌بینی می‌شود؟ تا براساس یافته‌های پژوهش خط‌مشی خدمات درمانی آنها مشخص شود.

روش

باتوجه به اینکه هدف پژوهش حاضر، پیش‌بینی سازگاری زناشویی بود و سعی شد ماهیت رابطه متغیر پیش‌بین (سبک‌های دلبستگی) و متغیر ملاک (سازگاری زناشویی) مشخص شود، روش پژوهش پیمایشی و از طرح نوع همبستگی است. جامعه آماری پژوهش حاضر شامل همسران جانباز است که در سال ۱۳۹۶ در شهر تهران ساکن بودند. با روش نمونه‌گیری دردسترس مبتنی بر جنسیت، ۲۰۰ نفر انتخاب شدند. شرط ورود به پژوهش، زندگی با همسر با حداقل شروع از ۳ سال قبل و زندگی با هم در حال حاضر، بود. پس از انتخاب نمونه آزمودنی‌ها به پرسشنامه سبک دلبستگی بزرگسال هازن و شیور و آزمون سازگاری زناشویی پاسخ دادند.

پرسشنامه سبک‌های دلبستگی بزرگسالان هازن و شیور: این پرسشنامه که در سال ۱۹۸۷ توسط هازن و شیور ساخته شده است یک ابزار اندازه‌گیری تک‌عاملی خودگزارش‌دهی است که با روابط بزرگسالان تطبیق داده شده است. این ابزار اندازه‌گیری حاوی سه عبارت

(اجتنابی، دوسوگرا)، تفاوت معنی‌دار وجود دارد. زنان ایمن نسبت به زنان اجتنابی و دوسوگرا از نظر توافق متقابل با همسر و مشترک‌بودن در علائق و گذراندن اوقات فراغت، آرزوی ازدواج‌نکردن و ادامه زندگی با همسر فعلی و اطمینان به همسر، تفاوت معنی‌داری داشتند.

شاکر و همکارانش (۱۳۹۰) نیز با بررسی رابطه سبک‌های دلبستگی و سلامت روانی با سازگاری زناشویی در زوجین نشان دادند در افراد دارای سبک‌های دلبستگی ایمن، اضطرابی و اجتنابی، بین سلامت روانی و سازگاری زناشویی، ارتباط مثبت معنی‌داری وجود دارد. درحالی‌که در افراد دارای سبک دلبستگی اضطرابی بین سلامت روانی و سازگاری زناشویی، ارتباط منفی معنی‌داری وجود دارد. به‌علاوه این پژوهش نشان داد سلامت روانی و سبک دلبستگی به میزان ۱۳ درصد، واریانس سازگاری زناشویی را پیش‌بینی می‌کند.

بشارت (۱۳۸۰)، در تحقیق رابطه سبک دلبستگی با مشکلات زناشویی زوجین نابارور به این نتیجه رسید، زوجین نابارور دارای سبک دلبستگی ایمن کم‌تر از زوجین نابارور دارای سبک دلبستگی ناایمن از مشکلات زناشویی رنج می‌برند.

بنابر آنچه که مطرح شد می‌توان دریافت که سبک‌های دلبستگی در سازگاری زناشویی، نقش بسزایی دارد و انواع سبک‌های دلبستگی از جمله ایمن، اجتنابی، دوسوگرا که خود هرکدام مؤلفه‌های جداگانه‌ای هستند، در روابط زناشویی حایز اهمیت هستند اما تاکنون در جامعه‌ای که مصیبت خاصی به آن وارد شده است، همانند خانواده‌های جانبازان به این امر مهم پرداخته نشده است تا مشخص شود که آیا ناسازگاری زناشویی بین همسران جانبازان ناشی از شرایط روانی و جسمانی جانبازان است یا به نوع

درونی قابل توجهی است. همسانی درونی خرده‌مقیاس‌ها بین خوب تا عالی است: رضایت دونفری ۰/۹۴، همبستگی دونفری ۰/۸۱، توافق دونفری ۰/۹۰ و ابراز محبت ۰/۷۳ (ثنایی، ۱۳۷۹).

پیش از اجرای پرسشنامه‌ها، اطلاعاتی درباره موضوع پژوهش تا آنجا که در نتایج پژوهش تأثیرگذار نباشد، به شرکت‌کننده‌ها داده شد و پس از اطمینان از حضور داوطلبانه و پس از توجیهات لازم، آزمودنی‌ها پرسشنامه‌ها را تکمیل کردند.

داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار رایانه‌ای SPSS16 تجزیه و تحلیل شد. در تجزیه و تحلیل اطلاعات علاوه بر آماره‌های توصیفی، آزمون تحلیل رگرسیون گام‌به‌گام استفاده شد.

یافته‌ها

یافته‌های توصیفی این پژوهش شامل شاخص‌های آماری از قبیل، فراوانی درصدی، میانگین و انحراف استاندارد هستند که در جدول‌های ۱ و ۲ منعکس شده‌اند.

توصیفی از احساس‌های فرد درباره راحتی با نزدیکی و صمیمیت در روابط است. هر توصیف یکی از سه سبک دل‌بستگی را نشان می‌دهد و از پاسخ‌دهندگان خواسته می‌شود تا کاربردپذیری هریک از توصیف‌های سه‌گانه را در مورد خودشان روی مقیاس لیکرت ۷ درجه‌ای نشان دهند.

همچنین شرکت‌کنندگان باید یکی از توصیف‌ها را که بهتر از همه احساس آنها را در روابط نزدیک و صمیمی توصیف می‌کند، به‌عنوان اینکه سبک دل‌بستگی وی چیست، انتخاب کنند. روایی محتوایی این آزمون با روش ترجمه و ترجمه مجدد و بازبینی نظر متخصصان توسط مظاهری (۱۹۹۷) به‌دست آمده است. اعتبار بازآزمایی اندازه‌گیری حدود ۰/۷ محاسبه شده است (مظاهری، ۱۹۹۷).

پرسشنامه سازگاری زناشویی: این پرسشنامه یک ابزار ۳۲ عبارتی برای ارزیابی کیفیت رابطه زناشویی از نظر زن و شوهر است که در سال ۱۹۷۶ توسط اسپانیر ساخته شده است. ضریب آلفای کرونباخ^۶ برای نمره کلی مقیاس، ۰/۹۶ است که نشان‌دهنده همسانی

جدول ۱ - فراوانی درصدی، میانگین و انحراف استاندارد نمره‌های سازگاری زناشویی به تفکیک سبک‌های دل‌بستگی و سازگاری زناشویی

سبک‌های دل‌بستگی	میانگین	انحراف استاندارد
ایمن	۱۸/۱۵	۹/۳۲
اجتنابی	۱۴/۷۶	۸/۷۷
دوسوگرا	۱۰/۹۸	۵/۳۹
سازگاری زناشویی	میانگین	انحراف استاندارد
آمار توصیفی	۱۱۰/۰۸	۱۰/۸۳۲

ایمن، رابطه مثبت معنی‌دار (۰/۵۳۱) و با سبک‌های دل‌بستگی دوسوگرا و اجتنابی رابطه منفی معنی‌دار (۰/۳۷۶- و ۰/۲۸۲-) دارد.

به‌منظور بررسی ارتباط بین سبک‌های دل‌بستگی و سازگاری زناشویی از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد (جدول ۲). داده‌های جدول ۲ نشان می‌دهد که سازگاری زناشویی با سبک دل‌بستگی

جدول ۲ - ضرایب همبستگی بین سبک‌های دلبستگی و میزان رضایت‌مندی زناشویی (n= ۲۰۰)

گروه	ایمن	دوسوگرا	اجتنابی
سازگاری زناشویی	۰/۵۳۱	-۰/۳۷۶	-۰/۲۸۲
سطح معنی‌دار بودن	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱
تعداد	۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰

برای پیش‌بینی میزان سازگاری زناشویی بر مبنای ملاک‌های دلبستگی، نتایج تحلیل واریانس در جدول ۳ ارائه شده است.

جدول ۳ - مشخصه‌های آزمون رگرسیون برای پیش‌بینی سازگاری زناشویی بر اساس سبک‌های دلبستگی

مدل	مجموع مجذورها	درجه آزادی	میانگین مجذورها	F	سطح معنی‌داری	R	R ²	انحراف خطا
رگرسیون	۶۹/۲۱۱	۲	۳۴۶۰۵/۶					
باقی‌مانده	۶۳۷۹۶	۱۹۹	۴۰۸/۹۵	۸۴/۶۲	۰/۰۰۱	۰/۷۲۱	۰/۵۲	۲۰/۲۲
کل	۱۳۳۰۰۷	۱۹۷						

جدول ۴ - ضرایب تأثیر سبک‌های دلبستگی در معادله رگرسیون

B	انحراف خطا	ضریب β	T	سطح معنی‌داری
ایمن	۱۵۵/۷۲	۱/۷۲۸	۹۰/۱۲	۰/۰۰۱
اجتنابی	۲۷/۷۲	۰/۷۶۹	۱۲/۹۱	۰/۰۰۱
دوسوگرا	-۱۵/۵	-۰/۳۶۷	-۶/۱۷	۰/۰۰۱

بحث و نتیجه‌گیری

لباس نظامی، مظهری از شأن، قدرت، عملکرد مردانگی بالا و مردان ایدئال است. ازدواج با مردان نظامی فرصتی برای داشتن امنیت اقتصادی و برخورداری از شأن و موقعیت برای بسیاری از زنان است. فرض می‌شود جانبازان به دلیل ازدست‌دادن شأن و موقعیت جنسیتی خود با بحران شایستگی مردانگی مواجه می‌شوند (گاناوردنا، ۲۰۱۰).

وقتی سربازی ازدواج کرد و بعد معلول شد، همسرش بچه می‌خواهد و به او فشار می‌آورد و او را پریشان و نگران می‌کند، بنابراین، زن جانباز او را ترک می‌کند. این موقعیت به نقش سنتی جانباز اشاره می‌کند و

بر اساس این نتایج، میزان F مشاهده‌شده (۸۴/۶۲) معنی‌دار است ($P < ۰/۰۰۱$) و ۵۲٪ واریانس مربوط به سازگاری زناشویی به وسیله متغیرهای دلبستگی تبیین می‌شود ($R^2 = ۰/۵۲$). ضرایب رگرسیون متغیر پیش‌بین نشان می‌دهد که سبک‌های دلبستگی می‌توانند واریانس سازگاری زناشویی را به صورت معنی‌دار تبیین کنند. در جدول ۴ ضرایب تأثیر سبک‌های دلبستگی (۲۷/۷۲ = اجتنابی، -۱۵/۵ = دوسوگرا) با توجه به آماره t نشان می‌دهد که این متغیر با اطمینان ۹۹٪ می‌تواند تغییرات مربوط به متغیر سازگاری زناشویی را پیش‌بینی کند.

که دربارهٔ جانبازان اعمال می‌شود، متفاوت است (کاون^{۱۰}، ۱۹۹۴).

بو روک (۱۹۹۶) و والناتین^{۱۱} (۱۹۹۹) مطرح می‌کنند در جنگ بریتانیا، زنان عاشق مردان آسیب‌دیده‌ای می‌شوند که برای به‌دست‌آوردن عشق چانه نمی‌زنند. قدرت مردانه را براساس قدرت اقتصادی مطرح می‌کنند و قهرمانی زمانی از بین می‌رود که جانباز طلب محبت کند و خواستار انجام وظایف مردانه توسط همسرش باشد. بنابراین، ارزشمندبودن ازدواج همیشه کافی نیست، تمامی شواهد حاکی از آن است که بعد از معلولیت، تمامی روابط زناشویی با شکست روبه‌رو می‌شود و این بزرگ‌ترین چالش برای یک جانباز است. جانبازان مطرح می‌کنند بحث دربارهٔ نقش‌های جنسیتی با زنان، آسیب زاست. رفت و آمد مداوم سرباز از خانه، نقش او را برای اهالی بیشتر نمادین می‌کند تا حضور فیزیکی، شرکت‌نکردن در تصمیمات اصلی خانه منجر نمی‌شود تا بچه‌ها با او بیگانه باشند. بنابراین، وقتی که جانبازان به زنانشان اجازه می‌دهند تا خانواده را پیش ببرند کم‌تر دچار مشکل می‌شوند و مردانگی آنها کم‌تر تهدید می‌شود تا آنهایی که از اول مردانگی خود را در خانه اعمال کرده‌اند. با این وجود وقتی هویت نظامی به‌طور فزاینده‌ای در جانبازان از بین رفته باشد، ممکن است آنها در خانه به جستجوی ابراز مردانگی‌شان باشند. چنین تغییر موقعیت غالب و عمومی در مردانگی را به سمت موقعیت خصوصی و زنانگی سوق می‌دهد.

جانبازانی که وارد فضای زانه می‌شوند احتیاج دارند تا مردانگی‌شان را ابراز کنند و به همین دلیل است که برای هشدار این موضوع زنانشان را می‌زنند. تجربه‌کردن ناتوانی جنسی و عدم ظرفیت جسمانی به جنگ پرخشونت اسناد داده می‌شود که نتیجهٔ آن ناامیدی است که به سمت زنان فرافکنی می‌شود.

زنانگی ارزش جنسیت جانباز را مشخص می‌نماید، البته این موقعیت به موقعیت ازدواج، موقعیت جنسیتی در سازمان و سلطه‌خواهی جنسی بستگی دارد (باتلر^۷، ۱۹۹۰؛ ۱۹۹۷).

گاناوردنا (۲۰۱۰) و کانل (۱۹۹۵) ازدست‌دادن هویت مردانه در جانبازان را به فرهنگ دوجنسیتی، نسبت می‌دهند که نمی‌تواند زن را متقاعد کند. عدم کارایی در این زمینه منبع مهمی از پریشانی روانی هیجانی می‌شود و مردانگی را کاهش می‌دهد. چنین تجربیاتی سوءظن نسبت به زنان و معشوقان را در جانبازان به‌وجود می‌آورد و امکان خیانت منبعی از آسیب‌پذیری و پرخاشگری می‌شود.

موریس معتقد است که ازدواج، فرصتی را برای جانبازان مرد فراهم می‌کند تا مردانگی خود را به‌واسطه نقش‌های اجتماعی مثل شوهربودن و پدرشدن به‌دست بیاورند و همچنین ازدواج، عامل تعیین‌کننده تجربه‌کردن معلولیت در جانبازان است و به‌دست‌آوردن نقش‌های اجتماعی و باز تعریف از مردانگی، بستگی به زنان دارد (رجسینگهام^۸، سنایکا^۹، ۲۰۰۴).

براساس انتظارات وطن‌پرستانه، از قهرمانان قدرشناسی می‌شود، اما این قدرشناسی با جانبازی معکوس می‌شود. بنابراین، اگر به جانبازان لقب قهرمان اطلاق شود، عامل مهمی است که به آنها اجازهٔ ازدواج را می‌دهد و این ازدواج توسط والدین و زنان سالم حمایت می‌شود (گاناوردنا، ۲۰۱۰).

مطرح می‌شود که چطور جامعه اصلاح نژادی از سخنرانی‌های مشابه استفاده می‌کند تا زنان را به ازدواج با جانبازان تشویق کنند، آنها قهرمانان مجروح را به جامعه برمی‌گردانند و شاید داشتن پسرانی که پدران شجاع دارند، جسم‌های آسیب‌دیده را دوباره بهبود می‌بخشد، اما این ایده با سیاست‌های مستقیمی

همچنین، نقص ممکن است منجر به این شود که جانبازان از لحاظ فیزیکی نسبت به همسرانشان ضعیف‌تر شوند و ممکن است به ازدست‌دادن هویت مردانه‌ای منجر شود که از نیروی نظامی به‌دست آورده‌اند (گربر، ۲۰۰۰؛ گاناوردنا، ۲۰۱۰).

بنابراین، نوع نگرش و رفتار همسران جانبازان در میزان قوام نظام خانواده و حفظ آرامش محیط خانه نقش دارد که طبق نظر بالبی به رابطه همسران با والدین خود در دوران کودکی مرتبط می‌شود که به شکل‌گیری سبک دلبستگی آنان منجر می‌شود. اعتماد به خود و دیگران، به‌عنوان یکی از مبانی درون‌روانی فردی که دارای سبک دلبستگی ایمن است، وی را در جلب کمک و مساعدت دیگران یاری می‌رساند و زمینه برون‌روانی و اجتماعی یک ارتباط سالم را فراهم می‌کند. در زندگی زناشویی نیز، این افراد با ایجاد ارتباط سالم و بهنجار با همسر خود شرایط رضایت‌مندی را فراهم می‌سازند.

نتایج تحقیق مظاهری در زمینه نقش دلبستگی در زمینه کنش‌وری ازدواج، (۱۳۷۹) گویای این نکته است که رابطه قوی و مهمی بین سبک دلبستگی و سازگاری زناشویی وجود دارد، به‌طوری‌که زنان ایمن در نزدیکی و صمیمیت نسبت به شوهران راحت‌تر هستند، از معایب زندگی چشم می‌پوشند و به‌خاطر مسائل جزئی و ایجاد محدودیت در آزادی طرفین، زندگی را تلخ نمی‌کنند.

اما این موضوع بین زنان عادی مورد بررسی قرار گرفته است و در مورد خانواده‌هایی با شرایط خاص مثل خانواده‌های جانبازان بررسی نشده است. از جمله تحقیقاتی که در زمینه سازگاری زناشویی در جانبازان صورت گرفته است، موارد زیر است:

بررسی عوامل مرتبط با ناسازگاری زناشویی در جانبازان مبتلا به PTSD است که نشان داده است که

حدود ۴۵/۵٪ از جانبازان مبتلا به PTSD از ازدواج و روابط زناشویی خود ناراضی هستند و بین مشکلات جنسی و شدت علائم PTSD و ناسازگاری زناشویی رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. مشکلات جنسی و شدت علائم PTSD مهم‌ترین عامل در پیش‌بینی میزان ناسازگاری زناشویی بین جانبازان دچار اختلال PTSD هستند (احمدی نوده، زارعی محمودآبادی، عرب نیا، ۱۳۸۵). در این تحقیق به عوامل مختلف و متعددی پرداخته شده است، اما به سبک دلبستگی همسران جانبازان توجهی نشده است.

سبک دلبستگی، موضوع مهمی در تمامی روابط بشری است که در پژوهش‌های خارجی به بررسی فراوانی نوع دلبستگی زوجین پرداخته شده است که نتایج بیانگر این نکته بود که ۵۳٪ جمعیت، دلبستگی ایمن داشتند، ۲۱٪ دلبستگی اجتنابی و ۲۶٪ سبک دوسوگرا دارند (گائورو، ۱۹۹۶، به نقل از صادقی و همکاران، ۱۳۹۰). این یافته‌ها را براساس نتایج پژوهش‌های پیشین این‌گونه می‌توان تبیین کرد که زوجین با سبک دلبستگی ایمن به‌گونه‌ای ارتباط مثبتی با یکدیگر دارند که زنان و شوهران ضمن اظهار علاقه به رابطه خودشان، با همدلی و اظهار جملات عاشقانه و دوستانه، عاطفه بیشتری به یکدیگر نشان داده و خودافشایی بیشتری دارند و برای رابطه دوتایی خود بیشتر از کلمه «ما» استفاده می‌کنند. نتایج پژوهش‌ها حاکی از آن است که بزرگسالان با سبک‌های دلبستگی متفاوت، الگوهای ارتباطی متفاوتی نیز دارند و دلبستگی، عاملی قوی برای پیش‌بینی عملکرد زناشویی و رفتارهای ارتباطی بین آنها به‌شمار می‌آید. به‌عنوان نمونه، درحالی‌که رفتارهای زوجین با سبک دلبستگی ایمن و ناایمن مضطرب به‌دنبال کسب صمیمیت (البته به طرق مختلف) است، زوجین با سبک دلبستگی اجتنابی رفتارهای پسرورده

- همسران جانبازان شیمیایی سردشت، فصلنامه علوم رفتاری. (۳) ۳: ۱۹۹-۱۹۵.
- ۲- اصغری نژاد، مهناز و دانش، عصمت (۱۳۸۴)، رابطه سبک‌های دلبستگی با میزان شادکامی و توافق در مسائل زناشویی در دانشجویان زن متأهل دانشگاه، تازه‌ها و پژوهش‌ها، جلد ۴، شماره ۱۴.
- ۳- بشارت، محمدعلی (۱۳۹۰)، بررسی رابطه سبک‌های دلبستگی با مشکلات زناشویی در زوج‌های ناباور، فصلنامه تازه‌های روان‌درمانی، سال ۵ شماره ۲۰: ۲۰-۱۷.
- ۴- رایس، فیلیپ (۱۳۸۸)، رشد انسان، روان‌شناسی از تولد تا مرگ، ترجمه مهشید فروغان، تهران: انتشارات ارجمند.
- ۵- سلیمی، سیدحسین؛ آزاد مرزآبادی، اسفندیار؛ امیری، ماندانا و تقوی، محمدرضا (۱۳۸۷)، ابعاد رضایت زناشویی در همسران جانباز، فصلنامه اندیشه‌های نوین تربیتی ۴ (۴): ۵۵-۷۲.
- ۶- شاکر، علی؛ فتحی آشتیانی، علی و مهدویان، علی‌رضا (۱۳۹۰)، بررسی رابطه سبک‌های دلبستگی و سلامت روانی با سازگاری زناشویی در زوجین، مجله علوم رفتاری، دوره ۵ شماره ۲: ۱۸۴-۱۷۹.
- ۷- لوله‌آور، رشوند (۱۳۹۴)، تحولات خانواده در ایران باتکیه بر رویکرد افول خانواده، کنفرانس بین‌المللی پژوهش در علوم رفتاری و اجتماعی.
- ۸- مجاهد، عزیزالله و همکاران (۱۳۹۰)، بررسی مقایسه‌ای وضعیت سلامت روانی همسران شهدا و جانبازان شهر زاهدان، افق دانش، فصلنامه دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی گناباد، دوره ۱۷، شماره ۳.
- ۹- مشایخ، مریم (۱۳۹۰)، تدوین الگویی برای خانواده تاب‌آور جانباز بر مبنای مصائب انسانی، رساله دکتری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات تهران.
- ۱۰- مطلب، زهرا و حمیدی‌پور، رحیم (۱۳۹۶)، رابطه سبک‌های دلبستگی و راهبردهای مقابله با استرس با سازگاری زناشویی، مجله اصول بهداشت روانی، دوره ۱۹، شماره ۳: ۱۱۶-۱۲۵.
- ۱۱- مظاهری، علی (۱۳۷۹)، نقش دلبستگی بزرگسالان در کنش‌وری ازدواج، مجله روان‌شناسی، شماره ۱۵: ۳۱۹-۲۸۶.

و دوری‌گزین دارند و این موضوع براساس نتایج تحقیق در ارتباط با همسران جانبازان نیز صدق می‌کند؛ بدین معنا که همسرانی که سبک دلبستگی ایمن دارند با زوج خود سازگارند و آنهایی که سبک دلبستگی‌شان ناایمن، دوسوگرا و اجتنابی است، نمی‌توانند سازگاری زناشویی خوبی داشته باشند. بنابراین، مسئله جانبازی همسر، نقش چندانی در میزان سازگاری زناشویی زوج ندارد و این تجارب کودکی و رابطه والد - فرزندی و نوع تربیت شخص است که میزان و نوع سازگاری او را مشخص می‌کند، لذا پیشنهاد می‌شود در مشاوره‌های پیش از ازدواج خانواده‌های نظامیان، نوع سبک دلبستگی دختران و پسران پیشنهادی برای ازدواج مورد سنجش قرار گیرد؛ زیرا کار نظامیان پرهیجان و خطیر است و برخوردار نبودن از سبک دلبستگی ایمن، پیامدهای آسیب‌زایی دارد. در مشاوره‌های خانوادگی در زمینه ناسازگاری زوجین باید نوع سبک دلبستگی برآورد شود و خدمات درمانی لازم در این زمینه ارائه شود. همچنین طرح‌های آموزشی به‌منظور ارتقای سطح آگاهی مادران و پدران در خصوص روش‌های درست تعامل با فرزندان در سطح کشور اجرا شود.

پی‌نوشت

- 1- Jabamelian
- 2- Koruk
- 3- Kim
- 4- Collins, Read
- 5- Fisiloglu
- 6- Cronbachs alpha
- 7- Butler, Y
- 8- Rajasingham
- 9- Senanayake, D
- 10- Koven, S
- 11- Valentine, G

منابع

- ۱- احمدی نوده، خدابخش؛ رشادت، محمود؛ کرمی، علامرضا و انیسی، جعفر (۱۳۸۸)، PTSD در

- 10-Gerber..A(2000).isabl veterans in history. US: Univrsity o Michigan press
- 11-Giral TM. Attachment, Perceived Social support, and Marriage: (2008). Different pathsto Mental Healthin Latinosand Europeans Americans. Doctoral Dissertation. Columbia University, Graduate School of Arts and Sciences..
- 12-Godbout N, Sabourin S, Lussier Y. (2008). Child Sexual Abuse and Adult Romantic Adjustment: Comparison of Single- and Multiple-Indicator Measures. J Interpers
- 13-Gunnawardena.N(2010).Subverted Hroes.Srilanka:School of sociology an social policy.
- 14-Heene EL, Buysse A, Van Oost P. (2005). In direct path ways between depressive symptoms and marital distress: The role of conflict communication, attributions, and attachment style. J Fam Process.:44(4):413-40.
- 15-Hesse, C., & Floyd, K. (2011). Affection mediates the impact of alexithymia on relationships. Personality and Individual Differences, 50, 451-456.
- 16-Hocking, E. C., Simons, R. M., & Surette, R. J. (2016). Attachment style as a mediator between childhood maltreatment and the experience of betrayal trauma as an adult. Child Abuse & Neglect, 52, 94-101.
- 17-Iranian families. Thesis submitted for Ph.D. Birkbeck College, University of London.
- 18-Jafari Senejani, M, Tiz Dast T and Farhangi, A, Hasan.(2016). Examining the relationship between psychological security, emotional maturity, and attachment styles and marital adjustment; International Journal of Medical Research & Health Sciences, 2016, 5, 9S:229-239
- 19-Kim, E. (2012). Marital adjustment and depressive symptoms in Korean Americans. Issues in Mental Health Nursing, 33(6), 370-376.
- 20-Koruk, S. (2017). The effect of gender and attachment styles on the relationship between marital adjustment and psychological symptoms. European Journal of Educational Research, 6(1), 69-77. doi: 10.12973/eu-er.6.1.69
- 21-Koven. S. (1994). Remembering and Dismemberment: Crippled Children. Wounded Soldiers. and the Great War in Great Britain. The American Historical Review. 99 (4). 1167-1202.
- ۱۲- منطقی، علی؛ حبرانی، پریا؛ ثمری، علی‌اکبر و حیدری، اعظم‌السادات (۱۳۸۹). سطح هیجان ابرازشده افسردگی و فشار روانی مراقبت در همسران جانبازان بستری در بخش روانپزشکی و ارتباط آن با میزان بستری مجدد، فصلنامه اصول بهداشت روانی، شماره پیاپی ۴۵: ۴۱۰-۴۱۹.
- ۱۳- میرزمانی، سیدمحمد و محمدی، محمدرضا (۱۳۸۲). اثرات بیماری‌های اعصاب و روان، تهران: پژوهشکده مهندسی و علوم پزشکی جانبازان.
- ۱۴- وفایی، طیبیه؛ خسروی، صدرالله و معین، لادن (۱۳۸۸). مقایسه الگوهای ارتباطی همسران جانباز با همسران افراد عادی، فصلنامه طب جانباز، سال دوم، شماره ۵.
- 1- Ahn SJ. (2006). An Investigation of The Relationship Between Marital Adjustment and Ministry Satisfaction Among Pastors of The Korean Evangelical Church of America Denomination. Doctoral Dissertation. Faculty of Talbot School of Theology. Biola University.. 4(3):286-318
- 2- Aminpour,M, Mamsharifi, M, Bayazidi, S, Ahmadzadeh,M.(2016). Relation of attachment styles and marital adjustment among young couples . Available online at www.worldscient ificnews.com. WSN 29 ,111-123
- 3- Brooks.R.A.(1994).Coherent behavior from many adaptive behavior(SAB-94).
- 4- Butler. J (1990). Gender Trouble: Feminism and the Subversion of Identity. New York: Routledge.
- 5- Butler. K. (1997). The anatomy of resilience. Networker. 22-31.
- 6- Collins, S.J. Read, (2012). Adult attachment, working models, and relationship quality in dating couples, Journal of Personality and Social Psychology, 58. 644-663.
- 7- Connell. J.P., Spencer. M.B. and Aber. J.L. (1994). "Educational Risk and Resilience in African American Youth: Context. Self. Action.
- 8- Dykas MJ, Cassidy J. (2007). Attachment and Processing of Social Information in Adolescents. New Directions for Child and Adolescent Development.; 117: 46-57.
- 9- Feeny JA. Adult romantic attachment and couple relationships" in J. Cassidy & P. R. Shaver (Eds.) (1999).Handbook Of Attachment Theory, Research and Clinical Applications. London, The Guilford Press.

- 22-Mazaheri – Tehrani, M. A. (1997). Attachment from a systemic perspective: A study of
- 23-Mazaheri MA. (2000). The role of attachment in marriage. *Journal of psychology.*;
- 24-Merodit P, Strong J, Feeneg J A. (2006). Adult Attachment Variables Predict Depression before and after Treatment for Chronic Pain. *Eur J Pain.* 2007 Feb; 11(2):164-70. Epub Mar 3.
- 25-momeni ghehi, M, Yeganegi,K. (2017).The relation between attachment styles, marital satisfaction and self-regulation of emotion in married people.A case study: Kish Island. *The International Journal of Social Sciences and Humanities Invention* 4(6): 3546-3555.
- 26-Nofle E.E. Shaver P.R. (2006). Attachment dimensions and the big five personality traits: associations and comparative ability to predict relationship quality. *Journal of Research in Personality.* 40:179-208.
- 27-Olson, D. H., & Gorall, D. M. (2003). Circumplex model of marital and family systems. In F. Walsh (Ed.). *Normal family processes* (3rd ed.) (pp. 514-547). New York: Guilford Press.
- 28-Rajasingham-Senanayake. D. (2004). Between Reality and Representation: Women's Agency in War and Post-Conflict Sri Lanka. *Cultural Dynamics* . 16 (2-3). 141-168.
- 29-Rawatlal, N., Kliewer, W., & Pillay, B. J. (2015). Adolescent attachment, family functioning and depressive symptoms. *South African Journal of Psychiatry*, 21 80-85.
- 30-Simon RW. (2002). Revisiting the relationship among gender, marital status, and mental health. *J Sociol.*; 107(4):1065-96.
- 31-Simpson, J. A., & Rholes, W. S. (2017). Adult attachment, stress, and romantic relationships. *Current Opinion in Psychology*, 13, 19-24.
- 32-Spanier GB. (1983). Measuring dyadic adjustment: New scales for assessing the quality of marriage and similar, dyads. *J Marriage Fam.*;(12):286-95.
- 33-Treboux, D., Crowell, J. A., & Waters, E.(2004). When new meets Configurations of adult attachment representations and their implications for marital functioning. *developmental psychology* , 40(2), 295-314.
- 34- Valentine. G. (1999) „What it means to be a man: the body, masculinities and disability“. in Butler. R. and Parr. H. (eds.) *Mind and Body Spaces: Geographies of disability, illness and impairment* (London: Routledge).
- 35- Violence.; 24 (4): 693-705.